

تجارب زیسته معلمان از منزلت اجتماعی به منظور ارائه مدلی برای آموزش و

پرورش دولتی ایران

اکبر رضایی^۱، بدری شاه‌طالبی^۲، نرگس سعیدیان^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی تجارب زیسته معلمان از منزلت اجتماعی و ارائه مدلی مناسب در دو بخش کیفی و کمی انجام شد. در بخش کیفی از رویکرد پدیدارشناسی توصیفی استفاده شد. از ۱۳ نفر از معلمان نمونه با روش نمونه‌گیری هدفمند ملاک‌محور، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته اکتشافی به عمل آمد. روش تحلیل داده‌ها در بخش کیفی، پدیدارشناسی توصیفی کلایزی بود. یافته‌های بخش کیفی نشان داد که منزلت اجتماعی معلمان بر مبنای سه مقوله تعریف منزلت اجتماعی، بازدارندگی منزلت اجتماعی و ارتقاءبخشی منزلت اجتماعی شکل گرفته است. در بخش کمی، روش پژوهش، توصیفی از نوع پیمایشی و جامعه آماری معلمان مقاطع مختلف شاغل در آموزش و پرورش دولتی ایران بوده که از این تعداد به روش نمونه‌گیری سهل الوصول ۴۲۰ نفر انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته برگرفته از بخش کیفی بود که اعتبار محتوایی آن توسط تعدادی از متخصصان تأیید گردید. پایایی ابزار نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از مقدار ۰/۷ برآورد گردید. داده‌ها در بخش کمی با استفاده از نرم افزار SPSS و Smart PLS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های بخش کیفی نشان داد که منزلت اجتماعی معلمان بر مبنای سه مقوله تعریف منزلت اجتماعی، بازدارندگی منزلت اجتماعی و ارتقاءبخشی منزلت اجتماعی شکل گرفته است. نتایج بخش کمی نیز نشان داد که الگوی ارائه شده از تجارب زیسته معلمان از برازش کافی برخوردار بوده است.

کلید واژه ها: منزلت اجتماعی، قشر بندی اجتماعی، تجارب زیسته معلمان، پدیدارشناسی توصیفی، آموزش و پرورش دولتی.

۱ - دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
akbar.rezaei11@mihanmail.ir

۲ - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
badritalebi@mihanmail.ir

۳ - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران narges112@mihanmail.ir

مقدمه

منزلت اجتماعی در جوامع مختلف از دیرباز مورد توجه بوده است. ریشه توجه به این مفهوم، وجود نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در این جوامع بوده است که قشربندی‌های اجتماعی را در آن‌ها شکل داده است. در واقع، قشربندی اجتماعی و اشغال کردن جایگاه‌های نقشی گوناگون توسط مردم، نوعی نابرابری را در جوامع شکل می‌داد که به تبع منزلت‌های اجتماعی متفاوتی نیز (بسته به جایگاه شغلی فرد در نظام نابرابر اقتصادی) ایجاد می‌شد. این وضعیت در دوران مدرن و در اثر تخصصی شدن مشاغل اهمیت بیشتری پیدا کرد و هر شغل و نقشی دارای منزلت اجتماعی خاص خود گردید که برگرفته از ارزشی بود که جامعه به آن شغل و نقش داده بود. برای این مبنا، منزلت اجتماعی ارزشی است که یک جمع (جامعه، گروه یا سازمان) برای یک نقش اجتماعی قائل است و یا مقام فرد یا گروه با توجه به توزیعشان (حیثیت) در یک نظام اجتماعی را منزلت اجتماعی می‌نامند (سام آرام و قائم‌پور، ۱۳۹۰). در این میان برخی مشاغل مانند معلمی در اجتماع از اهمیت بیشتر و گستره تأثیرگذاری بیشتری برخوردار هستند و علاوه بر تأثیراتی که در حوزه‌های تخصصی خودشان دارند، در اجتماع نیز دارای تأثیرات عمیقی هستند. همین امر سبب شده است که منزلت اجتماعی این مشاغل نیز مورد توجه واقع شود و تضعیف آن پیامدهای منفی زیادی برای جامعه در پی داشته باشد (پرز دیاز^۱ و رودریگز^۲، ۲۰۱۰؛ اشمید^۳ و لاور^۴، ۲۰۱۶). معلمان در فرآیند آموزش و پرورش نقش کلیدی دارند و به قول پایزه، زیباترین طرح اصلاح و بازسازی نظام آموزشی در صورتی که معلم از منزلت اجتماعی برخوردار نباشد، با شکست روبه‌رو خواهد شد (نویدی و برزگر، ۱۳۸۸). برای اینکه معلمان به‌عنوان رکن اصلی آموزش و پرورش، بتوانند نقش خود را در فرآیند تعلیم و تربیت به‌درستی ایفا کنند، باید از منزلت و موقعیت اجتماعی شایسته‌ای برخوردار باشند. اگر باور عمومی بر این باشد که «بهترین‌ها، بهترین‌ها را می‌سازند» به منزلت معلمان بیشتر توجه خواهد شد و تلاش و کوشش جهت افزایش منزلت اجتماعی معلمان اهمیت فوق‌العاده‌ای خواهد یافت. معلمی که از منزلت اجتماعی والایی برخوردار است، می‌تواند الگویی مطلوب برای دانش‌آموزان باشد (غلامی، ۱۳۸۹). اهمیت بحث منزلت اجتماعی معلمان به حدی است که سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در

1- Pérez Díaz

2 -Rodríguez

3 -Schmid

4 -Lauer

اکتبر ۱۹۶۶ توصیه‌نامه‌ای برای ارج نهادن به مقام و منزلت معلم تدوین نمود. در این توصیه‌نامه آمده است که باید به معلمی همانند یک حرفه توجه نمود. داشتن معلمانی مجرب و با انگیزه، ایجاد جاذبه برای جذب نیروهای برتر و صیانت از حرفه معلمی اساس توسعه کیفی نیروی انسانی آموزش و پرورش است (یونسکو، ۱۹۹۴ به نقل از نوید ادهم و شفیع‌زاده، ۱۳۹۳). مهم شمردن معلم به‌عنوان کارگزار اصلی جریان یاددهی - یادگیری اگرچه در جوامع معاصر همراه با تأمین مقدمات حفظ شأن و منزلت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن‌ها صورت گرفته، اما در عمل با کمبودهایی در حیطه اجرایی مواجه گردیده است. دوشغله شدن معلمان (میلتون، ۲۰۱۲؛ قادرزاده و فرجی، ۱۳۹۳)، ضعف هویت و تعلق سازمانی (واهاسانتانن^۱، ۲۰۰۸؛ ریو، ۲۰۰۵)، ایجاد مسائل و مشکلات روحی و روانی (چان، ۲۰۰۲؛ چاپلین، ۲۰۰۸)، گسترش نابرابری و مشکلات اقتصادی در معلمان (برلینر، ۲۰۱۳) و نارضایتی شغلی (موسی و سومجای، ۲۰۱۹؛ اوکیکی و متیودا، ۲۰۱۷؛ خانا، ۲۰۱۷) از جمله پیامدهای منفی بی توجهی به منزلت اجتماعی معلمان است. مسئله بنیادی در این میان این است که بیشتر مطالعاتی که تاکنون در این زمینه انجام شده‌اند، ماهیتی بیرونی داشته‌اند. بدین معنا که سعی داشته‌اند منزلت اجتماعی را به‌عنوان یک شاخص اجتماعی در میان معلمان بررسی کنند و کمتر به دیدگاه‌ها و تجارب آنان در این زمینه توجه نموده‌اند. این در حالی است که بافت فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در منزلت اجتماعی، تعریف، پیامدها و مسائل مرتبط با آن داشته باشد. در واقع، بررسی تجارب زیسته‌ای که معلمان در طی سال‌های طولانی تدریس در زمینه منزلت اجتماعی خودشان انباشت کرده‌اند، می‌تواند مسئله منزلت اجتماعی معلمان را به صورت عمیق‌تر بررسی نماید. از این‌رو پژوهش حاضر به دنبال این است که با روش پدیدارشناختی منزلت اجتماعی معلمان و تجارب زیسته آنان در این زمینه را مورد کنکاش قرار بدهد. مسئله بنیادی در پژوهش حاضر، اولویت تجارب زیسته عمیق و دیدگاه‌های معلمان در این زمینه، به جای تمرکز بر نگاه بیرونی به این مسئله، است.

هارگروس^۲ (۲۰۱۹) در پژوهش خویش با عنوان «منزلت اجتماعی و پرستیژ حرفه‌ای معلمان» با استفاده از روش تحقیق کیفی (تفسیر انتقادی) و بهره‌گیری از داده‌های آماری، برنامه‌های آموزشی و رویکردهای نظری مختلف و تفسیر آن‌ها به بررسی منزلت اجتماعی معلمان پرداخته

1 - Vähäsantanen

2 - Hargreaves

است. نتایج پژوهش وی بیانگر این است که معلمان با مسائل مختلفی مواجه هستند که سبب تضعیف منزلت اجتماعی آن‌ها شده است. حقوق و دستمزد پایین معلمان در برخی کشورها، دوشغله بودن معلمان، مسائل و مشکلات روان‌شناختی، استرس کاری، سیاست‌های کلان‌ناکارآمد و چهره اجتماعی نامناسب اجتماعی از جمله این عوامل است که منزلت اجتماعی معلمان را به خطر انداخته است. نویسنده معتقد است که این مسئله در برخی کشورها وجود دارد و در برخی دیگر از کشورها معلمان دارای منزلت مطلوبی هستند. در واقع، پیشنهاد نویسنده پیگیری و دنبال کردن الگوهای موفق در مورد تقویت منزلت اجتماعی معلمان در کشورهای موفق از سوی کشورهایی است که در این زمینه توفیق چندانی کسب نکرده‌اند. ساتون و شوس (۲۰۱۹) در پژوهش خویش با عنوان «نقش منزلت اجتماعی معلمان در مشارکت گروهی آنان» با استفاده از روش تحقیق کیفی به بررسی منزلت اجتماعی از دیدگاه معلمان متوسطه انگلستان و نقشی که تعریف آنان از منزلت اجتماعی بر مشارکت گروهی آنان دارد، پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنان بیانگر این مسئله است که در مشارکت‌های گروهی، معلمان درباره تنش بین کار به عنوان یک گروه منسجم و مقابله با اختلاف نظر و عمل مذاکره می‌کنند. در واقع، گروه‌های صنفی نقش‌تشکل‌های صنفی خرد برای تعریف منزلت اجتماعی معلمان ایفا می‌کنند. منزلت اجتماعی معلمان هرچه بالاتر باشد، بهتر می‌توانند به چنین توافقات مشترک و مشارکت گروهی اقدام کنند. برآیند این وضعیت از دیدگاه نویسندگان، بازتعریف مجدد منزلت اجتماعی معلمان و تغییر مثبت آن است. به طور کلی، یافته‌ها حاکی از آن است که معلمان با منزلت اجتماعی بالا، روال مشارکتی فراگیر را دنبال می‌کنند. این امر فضای مشارکتی را برای معلمان تازه کار جهت گفتگو در زمینه منزلت اجتماعی و تلاش برای بازتعریف آن فراهم می‌کند. هاسنودینوا (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «منزلت اجتماعی حرفه معلمی: خودتعیینی توسط معلمان روسی» به بررسی منزلت اجتماعی از دیدگاه معلمان دوره‌های عمومی در کشور روسیه پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داده است که سه مؤلفه در مورد منزلت اجتماعی معلمان از همه مهم‌تر است که عبارت‌اند از: اعتبار، احترام و رضایت از فرآیند کار. نتایج بیانگر این است که علیرغم ارزیابی پایین معلمان از اعتبار اجتماعی گروه حرفه‌ای خودشان، آنان فعالیت‌های خودشان را در چارچوب احترام متقابل میان معلمان با دانش‌آموزان، والدین و... انجام می‌دهند و از نتایج کارهای آموزشی خودشان نیز رضایت دارند. در واقع، مسئله مهم این است که معلمان از شغل و هویت حرفه‌ای خودشان راضی هستند، اما از نگاه و درک جامعه از منزلت اجتماعی حرفه معلمی رضایت ندارند. سایفولوا

(۲۰۱۸) در پژوهش خویش با عنوان «منزلت اجتماعی معلمان در روسیه از نیمه دوم قرن بیستم به بعد» با در پیش گرفتن رویکردی تاریخی، روند تحولات منزلت اجتماعی معلمان در روسیه را بررسی کرده است. نتایج پژوهش بیانگر این است که وضعیت حرفه ای معلمان در این مدت بهبود پیدا کرده است؛ وضعیت معیشتی آنان یعنی درآمد و سطح بهزیستی و رفاه معلمان نیز تقویت شده است؛ شرایط کاری و فرصت های ارتقاء نیز تقویت شده است. با این وجود منزلت اجتماعی معلمان افزایش چندانی پیدا نکرده است که این مسئله در ارتباط با کاهش نقش اجتماعی معلمان و تقلیل آن به مسائل آموزشی مرتبط است. کامرون^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «پروژه ارزیابی منزلت اجتماعی معلمان» که در کشور نیوزلند انجام شده است، با بهره گیری از روش تحقیق کیفی به این نتیجه رسیده است که ادراک معلمان نیوزلندی از منزلت اجتماعی خودشان بر مبنای ۴ مقوله بنیادی شکل می گیرد که عبارت اند از: ساختار برنامه ها و قوانین آموزشی کلان، انگیزه شغلی و حرفه ای معلمان، نظام شایسته سالاری آموزشی در سطح کلان و میانه، و ارتقاء و رشد شخصی و جمعی. این عوامل در ارتباط با یکدیگر منظومه ای را شکل می دهند که محصول آن منزلت اجتماعی معلمان است.

مهدیان، حکیم زاده، صفایی موحد و صالحی (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان «بازنمایی ادراک و تجربه زیسته معلمان از منزلت اجتماعی شان: مطالعه ای به روش پدیدارشناسی» ادراک و تجربه زیسته معلمان از منزلت اجتماعی شان را مورد واکاوی قرار داده اند. نتایج نشان داده است که شمار اندکی از معلمان به دلیل پررنگ بودن بعد معنوی حرفه معلمی، از منزلت اجتماعی شان راضی هستند، اما در اکثر موارد، معلمان به دلیل مخاطرات در چهار بعد سازمانی، اقتصادی، اجتماعی و شخصی از منزلت اجتماعی حرفه خود ناراضی هستند. غلامی، صفری و یعقوبی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی جایگاه معلم در ایران و پنج کشور پیشرو در عرصه آموزش و پرورش» به بررسی تطبیقی جایگاه معلم در ایران و کشورهای پیشرو چون آمریکا، چین، کره جنوبی، فنلاند و انگلستان پرداخته است. روش پژوهش تحقیق استفاده از کلیه اسناد، مدارک، کتب و سایت های معتبر بوده است. یافته های حاصل از این پژوهش نشان داده است که در آسیا به خصوص در کشور چین و اکثر کشورهای اروپایی معلم از جایگاه نسبتاً بالایی برخوردار است، ولی در ایران جایگاه معلمان به نسبت پایین تر و متوسط رو به پایین در برابر کشورهای پیشرفته

1 - Cameron

آسیایی و اروپایی قرار دارد. به طور کلی جایگاه بالا معلم با کیفیت و نتیجه برون داد مدارس و اجتماع رابطه مستقیم دارد. به وضوح تأثیر تعلیم و تربیت که پرچمدار آن معلمان هستند، در کشورهای پیشرفته ملموس بوده و توجه بالا به معلمان و این حرفه گواه معتبری به این ادعا است.

سوالات تحقیق

- ۱) تجارب زیسته معلمان از منزلت اجتماعی چیست؟
- ۲) چه مدل مناسبی از منزلت اجتماعی می توان برای معلمان آموزش و پرورش دولتی ایران ارائه کرد؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر در دو بخش کیفی و کمی انجام شد. فاز اول پژوهش در چارچوب سنت پژوهش کیفی با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی توصیفی انجام گردید. تکنیک اصلی مورد استفاده برای جمع آوری داده ها در مرحله کیفی پژوهش مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته^۱ است و متن حاصل از پیاده سازی این مصاحبه ها با معلمان مورد بررسی، مواد اولیه و اصلی پژوهش جهت استخراج مفاهیم و مقوله ها و ارائه الگوی پدیدارشناختی منزلت اجتماعی معلمان بوده است. راهنمای مصاحبه شامل دو بخش اصلی بوده است. بخش اول، مرتبط با اطلاعات جمعیت شناختی معلمان مورد بررسی و بخش دوم سؤالات اصلی مرتبط با منزلت اجتماعی معلمان بر مبنای تجارب زیسته خودشان بوده است. انجام مصاحبه با افراد به صورت فردی و در محل کار آنها با تعیین وقت قبلی بوده است. محتوای مصاحبه افراد با هماهنگی آنها ضبط گردید و زمان هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه بوده است. بر مبنای اصل اشباع نظری از تعداد ۱۳ نفر از معلمان نمونه با استفاده روش نمونه گیری هدفمند ملاک محور مصاحبه نیمه ساختاریافته اکتشافی به عمل آمد. برای سنجش اعتبار داده ها از دو روش بازبینی مشارکت کنندگان و مرور خبرگان غیر شرکت کننده در پژوهش استفاده گردید. در مرحله کیفی پژوهش حاضر به دلیل غالب بودن پدیدارشناسی توصیفی، تحلیل داده ها بر مبنای روش توصیف پدیدارشناسی هفت مرحله ای کلایزی انجام شده است.

یافته ها

خروجی فاز کیفی ۴۵۴ جمله و عبارت کلیدی، ۱۶۷ مفهوم اولیه، ۲۳ مقوله فرعی و ۳ مقوله اصلی بود. برای محاسبه پایایی باز آزمون، از بین مصاحبه های انجام گرفته، تعداد ۳ مصاحبه انتخاب شده

^۱. Semi-Structured

و هر کدام از آن‌ها دو بار در یک فاصله زمانی ۱۵ روزه توسط پژوهشگر کدگذاری شده‌اند. نتایج حاصل از این کدگذاری‌ها در جدول (۱) آمده است:

جدول ۱. محاسبه پایایی باز آزمون

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	پایایی باز آزمون (درصد)
۱	شماره ۲	۵۸	۲۴	۸۲٪
۲	شماره ۷	۵۱	۲۲	۸۶٪
۳	شماره ۱۰	۶۳	۲۸	۸۹٪
کل		۱۷۲	۷۴	۸۶٪

همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود تعداد کل کدها در دو فاصله زمانی ۱۵ روزه برابر ۱۷۲، تعداد کل توافقات بین کدها در این دو زمان برابر ۷۴ و تعداد کل عدم توافقات در این دو زمان برابر ۹۴ است. پایایی باز آزمون مصاحبه‌های انجام گرفته در این پژوهش با استفاده از فرمول ذکر شده، برابر ۸۶ درصد است. با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است (کوال، ۲۰۰۸)، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است. در ادامه محقق به همراه این همکار پژوهش، تعداد سه مصاحبه را کدگذاری خواهد کرد و درصد توافق درون موضوعی که به‌عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود با استفاده از فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{درصد توافق درون موضوعی} = \frac{\text{تعداد توافقات} * 2}{\text{تعداد کل کدها}} * 100\%$$

در این فرمول تعداد توافقات اشاره به تعداد کدهای مشترک و یکسان بین محقق و کدگذار همکار اشاره دارد. تعداد کل کدها نیز مجموع کدهای استخراجی بین محقق و کدگذار همکار می‌باشد. نتایج حاصل از این کدگذاری‌ها در جدول (۲) آمده است:

جدول ۲. محاسبه پایایی بین دو کدگذار

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	پایایی بین دو کدگذار (درصد)
۱	شماره ۳	۷۲	۲۹	۸۰٪
۲	شماره ۵	۳۶	۱۴	۷۷٪
۳	شماره ۹	۴۹	۱۸	۷۳٪
کل		۱۵۷	۶۱	۷۷٪

همان طور که در جدول (۲) مشاهده می شود تعداد کل کدها که توسط محقق و همکار پژوهش به ثبت رسیده است برابر ۱۵۷، تعداد کل توافقات بین این کدها ۶۱ و تعداد کل عدم توافقات بین این کدها برابر ۹۶ است. پایایی بین کدگذاران برای مصاحبه های انجام گرفته در این پژوهش با استفاده از فرمول ذکر شده برابر ۷۷ درصد است. با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است (کوال، ۲۰۰۸)، قابلیت اعتماد کدگذاری ها مورد تأیید است و می توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه ها در پژوهش حاضر مناسب است.

جدول ۳. ترکیب سؤالات پرسشنامه بخش کمی

مقولات اصلی	متغیرهای مورد بررسی	ابعاد و شماره سؤالات پرسشنامه	تعداد سؤالات	شماره سؤالات	مجموع سؤالات
تعریف منزلت اجتماعی		منزلت اجتماعی به مثابه نیاز روانی	۳	۱- تا ۳-	۱۱
		منزلت اجتماعی به مثابه نیاز اجتماعی	۵	۴- تا ۸-	
		منزلت اجتماعی به مثابه موقعیت طبقاتی	۳	۹- تا ۱۱-	
ناکارآمدی فرهنگی		مادی انگاری معلمی	۴	۱- تا ۴-	
		تصورسازی اجتماعی نامناسب از معلمی	۱۲	۵- تا ۱۶-	
ناکارآمدی شغلی		احساس تبعیض سیستماتیک	۱۳	۱۷- تا ۲۹-	
		فقدان هویت حرفه ای	۱۳	۳۰- تا ۴۲-	
تجارب زیسته معلمان از منزلت اجتماعی	بازدارندگی منزلت اجتماعی	ضعف تشکل یابی صنفی	۳	۷۸- تا ۸۰-	۹۴
		ناکارآمدی حرفه ای	۱۱	۸۱- تا ۹۱-	
ناکارآمدی نهادی		ناکارآمدی رسانه ای	۳	۷۵- تا ۷۷-	
		عدم پاسخگویی و حمایت نهادی	۱۷	۴۳- تا ۵۹-	
ارتقاءبخشی	اصلاح رویه های اصلاح سیاست گذاری	احساس ناکارآمدی نهادی	۱۵	۶۰- تا ۷۴-	
		مناسبات نابرابر قدرت	۳	۹۲- تا ۹۴-	
			۶	۱- تا ۳-	۶۲

مقولات اصلی	متغیرهای مورد بررسی	ابعاد و شماره سؤالات پرسشنامه	تعداد سؤالات	شماره سؤالات	مجموع سؤالات
منزلت اجتماعی نهادهی		کلان	۳	۳	۳
		انسجام و همکاری نهادهی	۳	۷-۳ تا ۹-	۳
		اصلاح رویه‌های مدیریتی و سازمانی	۱۰	۳۹-۳ تا ۴۸-۳	۳
		توانمندسازی حرفه‌ای	۹	۱۹-۳ تا ۲۷-۳	۳
		توانمندسازی حرفه‌ای	۱۱	۲۸-۳ تا ۳۸-۳	۳
		توسعه هویت شغلی	۹	۱۰-۳ تا ۱۸-۳	۳
		تقویت مشارکت محوری	۶	۴۹-۳ تا ۵۴-۳	۳
		بهبود امکانات رفاهی	۵	۵۵-۳ تا ۵۹-۳	۳
		تقویت تشکلیابی صنفی	۳	۶۰-۳ تا ۶۲-۳	۳
		بهبود وضعیت رفاهی			

به منظور بررسی روایی ابزار سنجش در مرحله کمی پژوهش از دو روش روایی محتوا (اعتبار صوری) و اعتبار سازه (رویکرد تحلیل عاملی تأییدی) استفاده گردید. به این معنا که جهت احراز روایی ابزار سنجش (پرسشنامه) مربوط به سنجش ابعاد و مولفه‌های تجارب زیسته معلمان از منزلت اجتماعی ضمن استفاده از شیوه اعتبار صوری از روایی سازه و رویکرد تحلیل عاملی تأییدی و شاخص‌های مربوط به آن شامل روایی همگرا^۱ (شاخص متوسط واریانس استخراج شده)^۲ و روایی ممیز^۳ (بارهای عاملی متقاطع^۴، معیار فورنل و لارکر^۵ و شاخص خصیصه متفاوت - خصیصه یکسان^۶) استفاده گردید. روایی صوری دلالت بر این موضوع دارد که سوال‌های مرتبط با یک آزمون تا چه اندازه شبیه به موضوعی هستند که برای اندازه‌گیری آن تدوین گردیده‌اند. بدین منظور پرسشنامه مربوط به سنجش ابعاد و مولفه‌های تجارب زیسته معلمان از منزلت اجتماعی در

1. Convergent Validity
2. Average Variance Extracted
3. Discriminant Validity
4. Cross Loadings
5. Fornell & Larcker
6. Hetero-Trait Mono-Trait Ratio

اختیار تعدادی از افراد مشابه نمونه آماری پژوهش در مرحله کمی قرار گرفت و روایی صوری آن مورد تأیید قرار گرفت. شیوه مناسب و رایج جهت سنجش پایایی طیف لیکرت، ضریب «آلفای کرونباخ»^۱ است، در این پژوهش نیز جهت بررسی پایایی ابزار متغیرهای اصلی پژوهش و مولفه‌های آن‌ها از شاخص‌های ضریب آلفای کرونباخ و قابلیت اعتماد ترکیبی^۲ استفاده گردید.

جدول ۴: برآورد شاخص اعتبار همگرا، ضریب آلفای کرونباخ و قابلیت اعتماد ترکیبی

مفهوم	ابعاد	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
تعریف منزلت اجتماعی	منزلت اجتماعی به‌منابه نیاز روانی	۰/۷۰	۰/۷۷
	منزلت اجتماعی به‌منابه موقعیت اجتماعی	۰/۷۴	۰/۸۳
ناکارآمدی فرهنگی	منزلت اجتماعی به‌منابه موقعیت طبقاتی	۰/۷۲	۰/۶۴
	مادی‌انگاری معلمی	۰/۷۲	۰/۷۸
ناکارآمدی شغلی	تصورسازی اجتماعی نامناسب از معلمی	۰/۸۸	۰/۹۰
	احساس تبعیض سیستماتیک	۰/۸۶	۰/۸۹
ناکارآمدی نهادی	فقدان هویت حرفه‌ای	۰/۸۷	۰/۹۰
	ضعف تشکل‌یابی صنفی	۰/۷۰	۰/۸۲
اصلاح رویه‌های نهادی	ناکارآمدی حرفه‌ای	۰/۸۶	۰/۸۹
	عدم پاسخگویی و حمایت نهادی	۰/۹۳	۰/۹۴
توانمندسازی حرفه‌ای	احساس ناکارآمدی نهادی	۰/۹۱	۰/۹۲
	ناکارآمدی رسانه‌ای	۰/۷۹	۰/۸۸
بهبود وضعیت رفاهی	مناسبات نابرابر قدرت	۰/۷۰	۰/۷۸
	انسجام و همکاری نهادی	۰/۸۰	۰/۸۶
توانمندسازی حرفه‌ای	اصلاح رویه‌های مدیریتی و سازمانی	۰/۷۰	۰/۸۱
	اصلاح سیاست‌گذاری کلان	۰/۸۵	۰/۸۸
بهبود وضعیت رفاهی	توسعه هویت شغلی	۰/۸۹	۰/۹۱
	توانمندسازی حرفه‌ای	۰/۸۷	۰/۹۶
بهبود وضعیت رفاهی	تقویت مرجعیت اجتماعی	۰/۸۸	۰/۹۰
	تقویت مشارکت‌محوری معلمان	۰/۸۳	۰/۸۷
بهبود وضعیت رفاهی	بهبود امکانات رفاهی	۰/۷۸	۰/۸۵
	تقویت تشکل‌یابی صنفی	۰/۷۰	۰/۸۱

در مرحله کمی پژوهش با توجه به اهداف مدنظر برای این مرحله از پژوهش، تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه در دو بخش توصیفی و استنباطی به انجام رسید. در بخش توصیفی

1. Cronbach
2. Composite Reliability

ابتدا توصیفی از نمونه آماری پژوهش با استفاده از جداول فراوانی و نمودارهای مربوطه ارائه و در ادامه از طریق شاخص‌های آمار توصیفی (گرایش مرکزی، پراکندگی و شکل توزیع) به همراه بافت‌نگار همراه با منحنی توزیع نرمال ابعاد و مولفه‌های مربوط به تجارب زیسته معلمان از منزلت اجتماعی توصیف گردیدند. در بخش استنباطی مرحله کمی با توجه به اهداف و سؤالات پژوهش (اعتبارسنجی ابزار سنجش ابعاد و مولفه‌های تجارب زیسته معلمان از منزلت اجتماعی) با استفاده از رویکرد تحلیل عامل تأییدی اعتبار و پایایی ابزار سنجش متغیرهای اصلی پژوهش و ابعاد و مؤلفه‌های این متغیرها برازش گردیده است.

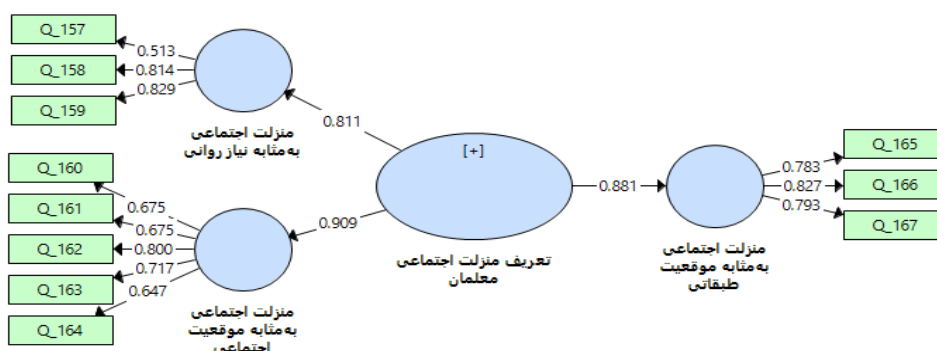
با استفاده از رویکرد تحلیل عاملی تأییدی برازش الگوی مربوط به تجارب زیسته معلمان از منزلت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۵. مقولات فرعی، اصلی و کلان تجارب زیسته معلمان از منزلت اجتماعی

مقولات اصلی	مقوله کلان	مقولات فرعی
		منزلت اجتماعی به‌مثابه نیاز روانی
تعریف منزلت اجتماعی معلمان		منزلت اجتماعی به‌مثابه موقعیت اجتماعی
		منزلت اجتماعی به‌مثابه موقعیت طبقاتی
		مادی‌انگاری معلمی
	ناکارآمدی فرهنگی	تصورسازی اجتماعی نامناسب از معلمی
		احساس تبعیض سیستماتیک
		فقدان هویت حرفه‌ای
بازدارندگی منزلت اجتماعی	ناکارآمدی شغلی	ضعف تشکلیابی صنفی
		ناکارآمدی حرفه‌ای
		عدم پاسخگویی و حمایت نهادی
		احساس ناکارآمدی نهادی
تجارب زیسته معلمان از منزلت اجتماعی	ناکارآمدی نهادی	ناکارآمدی رسانه‌ای
		مناسبات نابرابر قدرت
		انسجام و همکاری نهادی
	اصلاح رویه‌های	اصلاح رویه‌های مدیریتی و سازمانی
ارتقاءبخشی منزلت اجتماعی معلمان	نهادی	اصلاح سیاست‌گذاری کلان
		توسعه هویت شغلی
		توانمندسازی حرفه‌ای
	توانمندسازی حرفه‌ای	تقویت مرجعیت اجتماعی
	ای	تقویت مشارکت محوری معلمان
		بهبود امکانات رفاهی
	بهبود وضعیت رفاهی	تقویت تشکلیابی صنفی

به منظور احراز اعتبار ابزار سنجش (پرسشنامه) مربوط به سنجش ابعاد و مولفه‌های تجارب زیسته معلمان از منزلت اجتماعی از اعتبار سازه و رویکرد تحلیل عاملی تأییدی و شاخص‌های مربوط به آن شامل اعتبار همگرا^۱ (شاخص متوسط واریانس استخراج شده)^۲ و اعتبار ممیز^۳ (بارهای عاملی متقاطع^۴، معیار فورنل و لارکر^۵ و شاخص خصیصه متفاوت - خصیصه یکسان^۶) استفاده گردید. جهت سنجش قابلیت اعتماد یا پایایی ابزار سنجش مربوط به متغیرهای پژوهش و ابعاد آن از شاخص‌های ضریب آلفای کرونباخ^۷ و قابلیت اعتماد ترکیبی^۸ استفاده گردید.

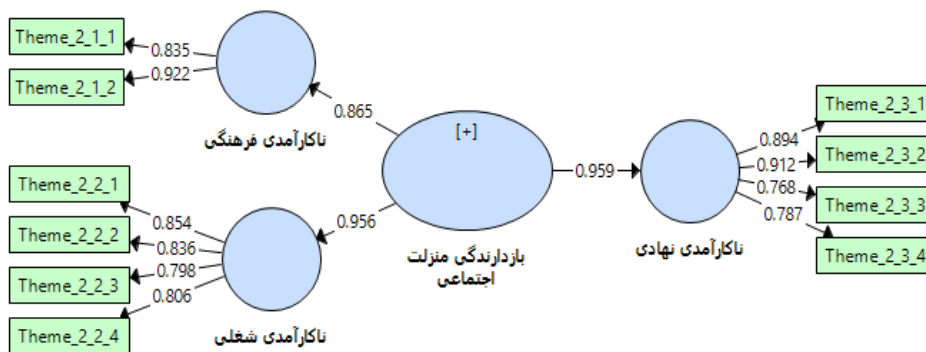
برای هر یک از مقولات اصلی تجارب زیسته معلمان از منزلت اجتماعی مدل‌های عاملی تدوین گردید که هر یک به صورت جداگانه گزارش می‌شود. مدل عاملی متغیر «تعریف منزلت اجتماعی» به صورت مدل عاملی سلسله‌مراتبی (مرتب دوم) تدوین گردید، برآوردهای مربوط به شاخص‌های اعتبار و پایایی و بارهای عاملی مولفه‌ها و معرف‌ها در شکل (۱) گزارش می‌شود:



شکل ۱. مدل عاملی مرتبه دوم تعریف منزلت اجتماعی

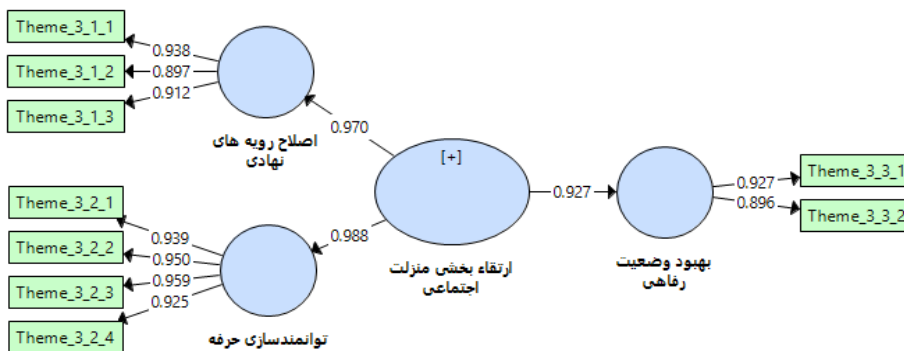
مدل عاملی متغیر «بازدارندگی منزلت اجتماعی» به صورت مدل عاملی سلسله‌مراتبی (مرتب دوم) تدوین گردید، برآوردهای مربوط به این مدل شامل شاخص‌های اعتبار و پایایی و بارهای عاملی ابعاد و مولفه‌ها در شکل ۲ گزارش می‌شود:

1. Convergent Validity
2. Average Variance Extracted
3. Discriminant Validity
4. Cross Loadings
5. Fornell and Larcker
6. Hetero-Trait Mono-Trait Ratio
7. Cronbach's Alpha
8. Composite Reliability



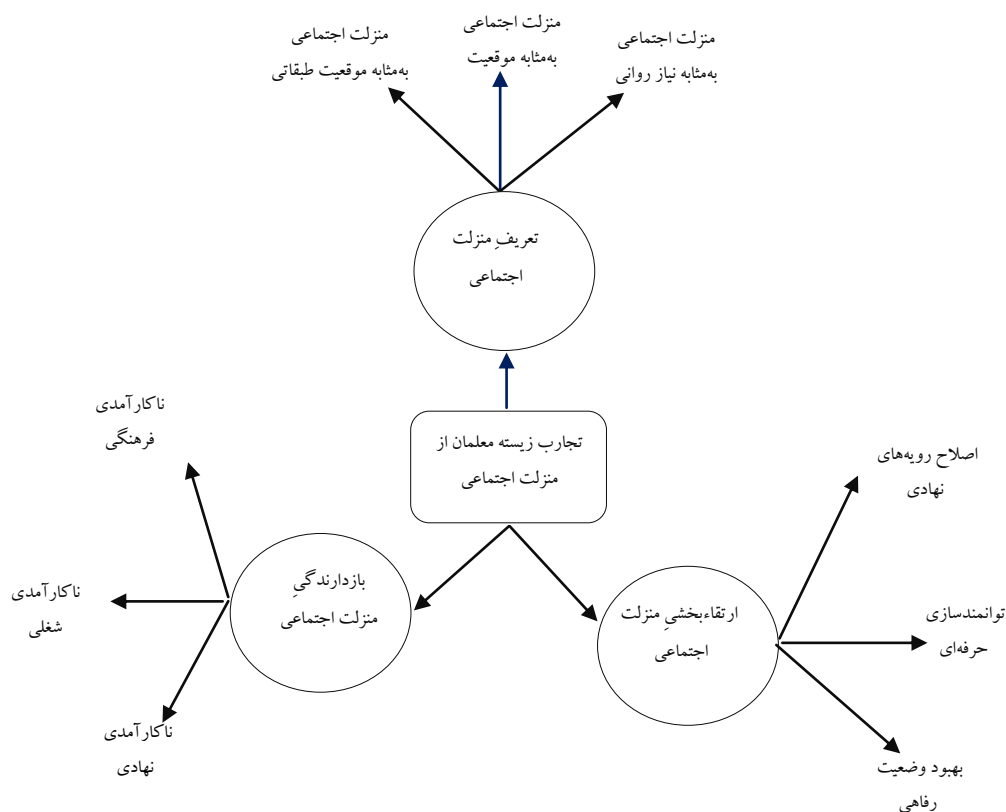
شکل ۲. مدل عاملی مرتبه دوم بازدارندگی منزلت اجتماعی

مدل عاملی متغیر «ارتقاءبخشی منزلت اجتماعی» به صورت مدل عاملی سلسه‌مراتبی (مرتبه دوم) تدوین گردید، برآوردهای مربوط به این مدل شامل شاخص‌های اعتبار و پایایی و بارهای عاملی ابعاد و مولفه‌ها در شکل ۳ گزارش می‌شود:



شکل ۳. مدل عاملی مرتبه دوم ارتقاء بخشی منزلت اجتماعی

شکل ۴ نیز مدل نهایی منزلت اجتماعی معلمان را نشان می‌دهد.



شکل ۴. مدل نهایی منزلت اجتماعی معلمان

بحث و نتیجه‌گیری

سؤال اول پژوهش حاضر این بود که مؤلفه‌های منزلت اجتماعی معلمان در آموزش و پرورش دولتی ایران کدام‌اند؟ برای پاسخ به این پرسش اساسی از رویکرد پدیدارشناسی توصیفی استفاده شده است. نتایج و یافته‌های مرتبط با این پرسش را می‌توان در ۳ بخش مرتبط با هم ارائه داد. در واقع، می‌توان در یک پاسخ کلی به پرسش حاضر گفت که منزلت اجتماعی معلمان در

آموزش و پرورش دولتی ایران شامل ۳ بعد و مؤلفه اصلی است: تعریف منزلت اجتماعی، بازدارندگی منزلت اجتماعی و ارتقاء بخشی منزلت اجتماعی. در واقع، معلمان مورد بررسی و تجارب زیسته آنان بیانگر این است که این سه عامل کلیدی، تفسیر و درک آنان از منزلت اجتماعی معلمان را شکل می‌دهد. برای پاسخگویی به سوال دوم (چه مدل مناسبی برای ارتقاء منزلت اجتماعی معلمان آموزش و پرورش دولتی ایران می‌توان ارائه داد؟) مدل پدیدارشناختی ارائه شده در بخش قبل برازش شد. نتایج کلی بیانگر این است که مدل از تناسب خوبی برخوردار است و توانایی و کارایی سنجش منزلت اجتماعی معلمان را دارد. اولین مسئله این بود که معلمان، منزلت اجتماعی را به مثابه یک نیاز روانی قلمداد می‌کنند. طبیعی است که کاهش مشکلات و مسائل روانی و عاطفی معلمان می‌تواند در برطرف کردن این نیاز مؤثر باشد و گامی مؤثر در تقویت منزلت اجتماعی معلمان قلمداد شود. این نتیجه در راستای یافته‌های پژوهش‌های چان (۲۰۰۲) و چاپلین (۲۰۰۸) است. نتایج این پژوهش‌ها بیانگر این است که مشکلات و مسائل روانی و ذهنی سبب تضعیف منزلت اجتماعی می‌گردد و برای تقویت آن لازم است چنین مسائلی حل شوند و یا کاهش پیدا کنند. همچنین تامین (۱۳۹۱) نیز یکی از چهار معیار منزلت اجتماعی را پاداش روانی می‌داند که به نوعی مرتبط با نتایج این بخش از پژوهش حاضر است. نتیجه کلان دیگر پژوهش حاضر مرتبط با عوامل بازدارنده منزلت اجتماعی معلمان بود. در واقع، مسئله این بود که برخی عوامل در سطوح مختلف، سبب می‌شوند که ارتقاء منزلت اجتماعی معلمان با مشکل مواجه شود. این عوامل سه بعد کلی فرهنگی، شغلی و نهادی را شامل می‌شد. این نتیجه را اگر به‌طور کلی بررسی کنیم، با نتایج برخی پژوهش‌های انجام شده پیشین از جمله مسلاج و جکسون (۲۰۱۳) هم‌خوانی دارد. آنان در پژوهش ترکیبی خودشان با تأکید بر نارضایتی معلمان از منزلت اجتماعی خودشان، ۴ عامل بازدارنده سازمانی، اقتصادی، اجتماعی و شخصی را در این زمینه شناسایی کرده‌اند که تا حدودی در تناسب با یافته‌های پژوهش حاضر قرار دارد. بعد اقتصادی شامل حقوق و مزایا و وضعیت اقتصادی معلمان و عدم اعتبار شغلی می‌باشد. بعد سازمانی شامل عملکرد مسئولین، کیفیت ورودی‌ها و معیارهای ارتقاء در حرفه می‌باشد. بعد اجتماعی به فرهنگ مادی جامعه و معیارهای مادی گرایان منزلت اجتماعی، فرهنگ والدین و دانش آموزان، جایگاه حرفه معلمی در مقایسه با سایر مشاغل، عملکرد رسانه‌ها اشاره دارد و بعد شخصی شامل عملکرد معلمان، کاهش تعلق حرفه‌ای، احساس و افکار شخصی، ذهنیت معلم، رفتار شخصی و اخلاق

حرفه‌ای است. این موارد موجب عدم تمایل به کار، عدم تعلق حرفه‌ای و علاقه به خروج از حرفه، بروز احساس پشیمانی از انتخاب این حرفه، سرافکنندگی، بی‌انگیزگی، کم‌کاری و خستگی می‌شود. نتیجه‌گیری کلی دیگر پژوهش حاضر مرتبط با عوامل ارتقاءبخش منزلت اجتماعی معلمان بود. بر مبنای نتایج پژوهش، سه عامل کلان سبب ارتقاء منزلت اجتماعی معلمان می‌شوند: اصلاح رویه‌های نهادی، توانمندسازی حرفه‌ای و بهبود وضعیت رفاهی. اصلاح رویه‌های نهادی می‌تواند به عنوان یک عامل ارتقاءبخش در ارتباط با توانمندسازی حرفه‌ای و توسعه هویت شغلی قرار بگیرد. در واقع، این دو می‌توانند پیامد اصلاح رویه‌های مدیریتی و سازمانی باشند. عدم مشارکت معلمان در تصمیم‌گیری‌های آموزشی، بودجه‌ریزی نامطلوب، سبک‌های مدیریتی نامناسب، نظام پاداش نابرابر و عدم انضباط‌های مالی سازمانی از جمله مسائلی است که معلمان معتقدند در نهاد آموزش و پرورش وجود دارد و لازم است برطرف شوند تا هم نهاد آموزش و پرورش کارایی مطلوب‌تری داشته باشد و هم منزلت اجتماعی معلمان تقویت گردد. به هر حال، اصلاح رویه‌های نهادی یکی از راهکارهای اصلی برای ارتقاء منزلت اجتماعی معلمان است. این نتیجه در راستای نتایج پژوهش‌هایی مانند چنتنگ و دیگران (۲۰۱۳) و پارکای و دیگران (۲۰۱۰) است که معتقد هستند اصلاحات نهادی و تحولات ساختاری در سیاستگذاری‌های کلان آموزشی پیش‌نیازی اساسی برای تقویت و ارتقاء منزلت اجتماعی معلمان هستند.

منابع

- سام آرام، عزت اله و قائم‌پور، محمد علی. (۱۳۹۰). سنجش منزلت اجتماعی معلمان در بین دانش‌آموزان، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. ۳ (۴): ۸۷-۷۷.
- غلامی، میثم. صفری، حسین. یعقوبی، مصطفی. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی جایگاه معلم در ایران و پنج کشور پیشرو در عرصه آموزش و پرورش، دومین کنگره بین‌المللی توانمندسازی جامعه در حوزه علوم اجتماعی، روانشناسی و علوم تربیتی، تهران: مرکز توانمندسازی مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه.
- قادرزاده، امید و فرجی، سیروان. (۱۳۹۳). تحلیل تجربه‌های معلمان از دوشغله بودن: مطالعه کیفی دلایل و پیامدها، راهبرد فرهنگ، ۲۶: ۱۴۶-۱۱۹.
- مهدیان، سمیه. حکیم‌زاده، رضوان. صفایی موحد، سعید. صالحی، کیوان. (۱۳۹۶). بازنمایی ادراک و تجربه زیسته معلمان از منزلت اجتماعی‌شان: مطالعه‌ای به روش پدیدارشناسی، خانواده و پژوهش، ۱۵ (۱): ۱۸-۱۹.
- نوید ادهم، مهدی و شفیع‌زاده، حمید. (۱۳۹۳). بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر منزلت اجتماعی معلمان، فصلنامه راهبرد، ۲۳ (۴): ۱۹۴-۱۷۵.
- نویدی، احد و برزگر، محمود. (۱۳۸۷). راههای ارتقاء منزلت اجتماعی معلمان، مجله تعلیم و تربیت، ۷۴: ۱۰۰-۵۵.

- Berliner, D. C. (2013). Effects of Inequality and Poverty vs Teachers and Schooling on America's Youth. *Teachers College Record*, 115(12): 58-71.
- Cameron, M. (2017). *Teacher Status Project: identifying teacher status, its impact, and recent teacher status initiatives*, Wellington, NZ: New Zealand Ministry of Education.
- Chan, D. W. (2002). Stress, self-efficacy, social support, and psychological distress among prospective Chinese teachers in Hong Kong, *Educational psychology*, 22(5): 557-569.
- Chang, M. C., Shaeffer, S., Al-Samarrai, S., Ragatz, A. B., De Ree, J., & Stevenson, R. (2013). *Teacher reform in Indonesia: The role of politics and evidence in policy making*, The World Bank.
- Chaplain, R. P. (2008). Stress and psychological distress among trainee secondary teachers in England, *Educational Psychology*, 28(2): 195-209.
- Hargreaves, L. (2019). The status and prestige of teachers and teaching, In *International handbook of research on teachers and teaching*, Springer, Boston, MA.
- Khanna, V. (2017). Measuring job satisfaction of academicians using Herzberg theory. *Delhi Business Review*, 18(2): 75-86.
- Moussa, M., & Somjai, K. (2019). *Job dissatisfaction and employee turnover: A qualitative case study in Thailand*, SAGE Publications: SAGE Business Cases Originals.
- Okeke, C. I., & Mtyuda, P. N. (2017). Teacher job dissatisfaction: Implications for teacher sustainability and social transformation, *Journal of Teacher Education for Sustainability*, 19(1): 54-68.
- Parkay, F. W., Stanford, B. H., & Gougeon, T. D. (2010). *Becoming a teacher*, Pearson/Merrill.
- Pérez-Díaz, V., & Rodríguez, J. C. (2014). Teachers' Prestige in Spain: probing the public's and the teachers' contrary views, *European Journal of Education*, 49(3): 365-377.
- Reio Jr, T. G. (2005). Emotions as a lens to explore teacher identity and change: A commentary, *Teaching and Teacher Education*, 21(8): 985-993.
- Saifullova, R., Krapotkina, I., Pospelova, N., & Kayumova, G. (2018). The social status of teachers and education in the Russian empire of the second half of the XIX century, *Journal of Social Studies Education Research*, 9(3): 97-108.
- Vähäsantanen, K., Hökkä, P., Eteläpelto, A., Rasku-Puttonen, H., & Littleton, K. (2008). Teachers' professional identity negotiations in two different work organizations, *Vocations and Learning*, 1(2): 131-148.